

تأثیر آموزش مهارت حل مسئله بر افزایش کفایت اجتماعی نوجوانان دختر

دکتر سیده‌ادی معتمدی*، حسین حاج بابایی**، اکبر بیگلریان***، منیژه فلاح سلوکلابی****

چکیده:

هدف: نوجوانان در سنین نوجوانی با تجربه‌های منفی بسیاری روبرو می‌شوند که مقابله با آنها مهارت‌های خاصی را طلب می‌کند. هدف این تحقیق بررسی تأثیر آموزش مهارت حل مسئله بر افزایش توانایی‌های نوجوانان در زمینه چهار مؤلفه کفایت اجتماعی، کفایت و توانایی رفتاری، شناختی، هیجانی و انگیزشی است.

روش بررسی: پژوهش حاضر از نوع آزمایشی مداخله‌ای است. جامعه آماری پژوهش دانش‌آموزان دختر مقطع سوم راهنمایی شهرستان جویبار در سال تحصیلی ۸۸-۸۷ بودند. حجم نمونه شامل ۹۰ دانش‌آموز بود که با روش نمونه‌گیری تصادفی از میان جامعه آماری انتخاب شدند. با استفاده از پرسشنامه کفایت اجتماعی همه دانش‌آموزان مورد آزمون قرار گرفتند و به طور تصادفی به دو گروه آزمایش و گواه تقسیم شدند. سپس به گروه آزمایش عملیات حل مسئله آموزش داده شد. در پایان جلسات آموزش مجدداً میزان کفایت اجتماعی هر دو گروه مورد ارزیابی قرار گرفت و تفاوت نمرات قبل و بعد از آموزش مقایسه شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون ۲ نمونه‌ای مستقل و آزمون زوجی استفاده شده است.

یافته‌ها: نتایج آزمون‌ها نشان دهنده تأثیر آموزش حل مسئله در افزایش کفایت اجتماعی گروه آزمایش است (با پی کمتر از ۰/۰۰۳). این آموزش همچنین در خرده مقیاس‌های رفتاری، هیجانی و انگیزشی مؤثر بوده است اما در خرده مقیاس شناختی بین نمرات قبل و بعد از مداخله بین دو گروه رابطه معناداری مشاهده نشد. نتیجه‌گیری: در مجموع آموزش مهارت حل مسئله در افزایش کفایت اجتماعی دانش‌آموزان در خرده مقیاس‌های رفتاری، هیجانی و انگیزشی مؤثر بوده است و وارد کردن این مباحث در کتاب‌های درسی می‌تواند در ارتقای کفایت اجتماعی دانش‌آموزان بسیار تأثیرگذار باشد.

کلید واژه‌ها:

آموزش، دانش‌آموزان، مهارت حل مسئله، افزایش کفایت اجتماعی

* استادیار، عضو هیئت علمی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، گروه آموزشی علوم بالینی، تهران، ایران

** عضو هیئت علمی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، تهران، ایران

*** کارشناس ارشد، کارشناس ارشد مددکاری اجتماعی، تهران، ایران

**** کارشناس ارشد، کارشناس ارشد مددکار اجتماعی

مقدمه

همهٔ کودکان و نوجوانان در زندگی با موانع و مشکلاتی روبرو می‌شوند و برای گذر از آنها به یادگیری مهارت‌های مختلف از جمله مهارت حل مسئله نیاز دارند. این مسئله زمانی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که تغییرات رشدی سریع کودکان، مانند تغییرات هورمونی سریع، سبب تنش‌های شدید درونی و اختلال در روابط بین فردی شود.

یکی از مهم‌ترین وظایف مددکاران اجتماعی بالا بردن میزان مهارت‌های زندگی در آحاد جامعه، بالاخص در نوجوانان برای پیشگیری، کاهش و کنترل آسیب‌های اجتماعی است. اما متأسفانه بسیاری از نوجوانان مهارت‌های لازم را برای برخورد با مسائل و شرایط بحرانی را فرا نمی‌گیرند (آقابخشی، ۱۳۷۹). ما همه چیز را به دانشگاه‌ها موکول نموده ایم، در حالی که آموزش و پرورش و خانواده‌ها هیچ‌یک در این مورد توجیه نشده‌اند و مطالعات نشان می‌دهد نوجوانانی که دارای سطح بالاتری از مهارت‌های تصمیم‌گیری به موقع هستند، کمتر به کج رفتاری روی می‌آورند (همان منبع). در باب اهمیت مسئله می‌توان به مدارس استرالیا اشاره کرد که با اجرای برنامه‌های آموزشی منظم در جهت پیشگیری از خشونت، اقدام به خودکشی و به طور کلی عدم موفقیت در زندگی، برنامه‌های توسعه کفایت اجتماعی را برای دانش‌آموزان فراهم کرده‌اند (فلور^۱، ۲۰۰۵). بنابراین با مداخله در فرآیند تحصیل و آموزش نوجوانان در زمینه مهارت حل مسئله می‌توان به پیشگیری از رفتارهای بزهکارانه و افزایش کفایت اجتماعی نوجوانان پرداخت و همان‌طور که فلنر^۲ می‌گوید، آموزش حوزه‌های کفایت اجتماعی مانع تعمیم‌پذیری گستردهٔ یک الگوی تبادلی منفی به حوزه‌های دیگر زندگی است (پرن‌دین، ۱۳۸۵). بدیهی است که این تحقیق بر الگوی حل مسئله و آموزش آن توسط مددکار اجتماعی متمرکز است. او یک تسهیل‌گر بی‌طرف است که در طی آموزش، به سازمان دادن مجدد روابط، بالا بردن ارتباط و مهارت‌های حل مسئله، افزایش همکاری یا حداقل کاهش تضاد در دانش‌آموزان می‌پردازد، تضاد را مدیریت، اطلاعات را سازماندهی و ارتباط را تسهیل می‌کند (کراک^۳، ۱۹۹۷).

بیان مسئله

با فرایپچیدگی و متنوع شدن جامعه، فرآیند آماده‌سازی کودکان و نوجوانان به عنوان متفکران مستقل، شهروندان مولد و رهبران آینده دشوارتر و پیچیده‌تر می‌شود (شهرکی پور، ۱۳۸۲).

1. Fuller
2. Flener
3. Kruk

پس از پایان یافتن دوره کودکی، فرد وارد مرحله‌ای می‌شود که شرایط آن با شرایط دوره قبلی کاملاً متفاوت است. این دوره به دوره نوجوانی معروف است و یکی از بحرانی‌ترین دوران زندگی فرد به شمار می‌آید. نوجوان در این دوره با مسائل عمده‌ای نظیر بحران هویت، انحرافات اجتماعی، انحرافات جنسی، اختلالات عاطفی (افسردگی) پرخاشگری، بزهکاری، اعتیاد، خودکشی، مشکلات خانوادگی و شغلی مواجه است. سپری کردن موفقیت آمیز این دوره مستلزم داشتن کفایت اجتماعی خاص در چهار دسته کفایت و توانایی (مهارت رفتاری، مهارت شناختی، کفایت هیجانی و کفایت انگیزشی) است. که فقدان آنها عامل اساسی ناسازگاری و مشکلات انطباقی است (فلنر، ۱۹۹۰). با در نظر گرفتن بیش از ۲۳ میلیون نوجوان و جوان کشور - براساس سرشماری سال ۸۵ - که نیروی محرکه و پویای جامعه محسوب می‌شوند و با توجه به رشد سالانه ۱۵ تا ۲۰ درصدی آمار آسیب‌های اجتماعی در کشور و فراوانی شیوع آن در سنین نوجوانی و جوانی - براساس آمار دفتر امور آسیب دیدگان اجتماعی سازمان بهزیستی کشور در سال ۱۳۸۶ - شایسته است به فراهم نمودن راهکارهای مقابله با این آسیب‌ها در بین نوجوانان توجه جدی داشته باشیم، تا انسان‌هایی تربیت کنیم که توانایی مقابله با مسائلی چون سوء مصرف مواد، بزهکاری و ... را داشته باشند به همین منظور سازمان بهداشت جهانی برنامه‌ای را از سال ۱۹۹۳ به عنوان آموزش مهارت‌های زندگی در مدارس تدارک دید و در کشور ما نیز از سال ۷۶ به صورت آزمایشی در تعدادی از مدارس در حال اجراست که البته ضرورت و اهمیت آن را نه تنها دانش‌آموزان و خانواده‌ها، بلکه متولیان آموزش و پرورش نیز جدی نگرفته‌اند و در اغلب مواقع ساعات تدریس کتابهای مهارت زندگی به دروس دیگر پرداخته می‌شود و این کلاسها برای دانش‌آموزان نیز جنبه تفریحی دارد: البته اخیراً با توجه به کودکانه شدن آسیب‌های اجتماعی در کشور، سازمان بهزیستی با اجرای طرح توانمندسازی نوجوانان و اختصاص اعتبارات میلیاردی سعی در کاهش آمار آسیب دیدگان اجتماعی دارد. حال با توجه به این مهم، در صورتی که به بحث آموزش و مداخلات مؤثر برای ارتقای کفایت اجتماعی دانش‌آموزان علی‌الخصوص دختران به عنوان پرورش دهنده‌های نسل‌های آتی پرداخته نشود، می‌بایست در انتظار انواع رفتارهای مخاطره آمیز باشیم. در این تحقیق، نگارنده با اختصاصی کردن آموزش مهارت‌های زندگی (صرفاً آموزش مهارت حل مسئله) و بهره گیری از متون مختلف مددکاری اجتماعی، روان شناسی و ... به بررسی چگونگی تغییرات کفایت اجتماعی دانش‌آموزان پرداخته است. بررسی متون و پیشینه تحقیقات نشان می‌دهد که آموزش مهارت حل مسئله، مهارت مقابله‌ای اقدام کنندگان به خودکشی، افزایش سازگاری اجتماعی دانشجویان، بهبود تحصیلی دانش‌آموزان، رفتار سازشی نوجوانان عقب مانده ذهنی و کاهش اضطراب اجتماعی نوجوانان را در پی داشته است. اما از نظر روش شناسی به نظر می‌رسد تحقیقات مذکور دارای کاستی‌هایی نظیر آموزش انفرادی، تعداد نمونه کم و عدم قابلیت تعمیم پذیری به جامعه گسترده‌تر و همچنین گرایش محض به استفاده از ابزارهای مداخله روان شناختی.

در صورتی که چهار نوع مهارتی که از مولفه‌های کفایت اجتماعی محسوب می‌شوند افزایش یابد، می‌توانیم با نهادینه کردن آموزش مهارت‌های زندگی در مدارس به تقویت فعالیت‌های تحصیلی و همچنین کاهش مواجهه نوجوان با تجربه‌های منفی نظیر خشونت، فرار از منزل و خودکشی امیدوار باشیم. بنابراین کفایت اجتماعی سبب تقویت عواملی می‌شود که نوجوانان را از تجربیات منفی محافظت می‌کند.

ادبیات پژوهش

نوجوانی مرحله حساسی از زندگی است و یکی از ویژگی‌های خاص این سنین تحولات جسمی، روانی، اخلاقی، اعتقادی، عاطفی و اجتماعی است. هر یک از این تحولات جای خود اهمیت بسیار دارد. از نظر اجتماعی نوجوانان به تدریج با محیط اجتماع برخورد فعال تری پیدا می‌کنند، وابستگی آنها به خانواده کم‌رنگ و همانندسازی با گروه همسال تقویت می‌شود و بیشتر تحت تأثیر دوستان قرار می‌گیرند. گروه‌گرایی در آنان به اوج می‌رسد و به جستجوی احراز هویت، تشخیص طلبی، استقلال جویی و همدردی و کسب نقش‌های اجتماعی می‌روند. تمایل به استقلال رأی دارند و در سازگاری اجتماعی ایشان آشفتگی پدید می‌آید (رحیمی، ۱۳۸۵). از طرفی با پیچیده‌تر شدن جامعه، فرایند آماده سازی کودکان و نوجوانان به عنوان متفکران مستقل، شهروندان مولد و رهبران آینده دشوارتر و پیچیده‌تر می‌شود (شهرکی پور، ۱۳۸۲). سپری نمودن موفقیت آمیز دوران نوجوانی مستلزم داشتن کفایت اجتماعی خاص در چهار مؤلفه کفایت و توانایی مهارت رفتاری، مهارت شناختی، کفایت هیجانی و کفایت انگیزشی است. که فقدان این مهارت‌ها عامل اساسی ناسازگاری و مشکلات انطباقی است (فلنر، ۱۹۹۰). نظر به اینکه براساس سرشماری عمومی سال ۱۳۸۵ کشور ما دارای بیش از ۲۳ میلیون نوجوان و جوان است و با توجه به مواجه شدن نوجوان در این سنین بحرانی با مسائلی مانند سوء مصرف مواد، بزهکاری و انواع آسیب‌های اجتماعی، در صورتی که چهار نوع مهارتی که از مؤلفه‌های کفایت اجتماعی محسوب می‌شوند افزایش یابند، می‌توان با نهادینه کردن آموزش مهارت‌های زندگی در مدارس به تقویت فعالیت‌های تحصیلی و هم چنین کاهش مواجه نوجوان با تجربه‌های منفی مانند خشونت، فرار از منزل و خودکشی امیدوار باشیم و در واقع آموزش مهارت‌های اجتماعی، رفتارهای مهم را در موقعیتهای خاص تحت تأثیر قرار می‌دهد (هورنر^۱، ۲۰۰۲). در یک برنامه آموزش مهارت‌های اجتماعی به ۱۸ نوجوان ناشنوا در جزایر قناری دیده شد که مداخلات آموزشی موجب بهبود مهارت حل مسأله و مهارت جسارت و قاطعیت آنها شده است (سوارز^۲، ۲۰۰۲). در تحقیق دیگری که به بررسی میزان اثر بخشی راهبردهای مداخله‌ای شناختی، رفتاری براساس

1. Horner
2. Suarez
3. Olwevs

مدل چهار بُعدی کفایت اجتماعی فلنر در رفتار سازشی ۴۲ نفر از نوجوانان ۱۸-۱۴ ساله ناتوان ذهنی خفیف پرداخته بود، نتایج نشان داد که در پنج گروه مهارت رفتاری، مهارت شناختی، کفایت هیجانی، آمایه انگیزشی و گروه پنجم (گروه کفایت‌های ۴ گانه) کسانی که در هر چهار مؤلفه مذکور آموزش دیده بودند و گروه کنترل تفاوت معناداری وجود دارد، اما هیچ گونه تفاوت معناداری بین گروه‌هایی که در یک مؤلفه آموزش دیده و گروهی که در هر چهار زمینه آموزش دیده بودند وجود نداشت (پزشک، ۱۳۸۲). در پژوهش دیگری که با استفاده از پرسشنامه بلینگر موس تأثیر آموزش مهارت حل مسأله بر مهارت‌های مقابله ای ۸۰ نفر از افراد اقدام کننده به خودکشی و خانواده آنها را بررسی کرده است نتایج نشان داد که آموزش مهارت حل مسأله باعث ایجاد اختلاف معنادار در مهارت‌های مقابله‌ای اقدام کنندگان به خودکشی و خانواده‌های آنها در گروه آزمایش، شده است و می‌توان این مهارت‌ها را برای درمان رفتاری افراد و هم چنین ارتقای سلامتی و پیشگیری از خودکشی به کار برد (شمسی خانی، ۱۳۸۵). علاوه بر این، موارد دیگری را نیز می‌توان به کفایت اجتماعی نسبت داد. در یکی از پژوهشها ثابت شده است که کودکان پرخاشگر مهارت‌های رفتاری مورد نیاز برای حل مسائل با استفاده از پاسخ‌های با کفایت را ندارند و در مهارت‌های حل تعارض دچار کاستی هستند (اولوز، ۱۹۹۳). هم چنین برخی از پژوهشگران مهارت اجتماعی را مترادف با سازگاری اجتماعی می‌دانند و از نظر ایشان مهارت اجتماعی عبارت است از توانایی ایجاد ارتباط متقابل با دیگران در زمینه خاص اجتماعی، به گونه‌ای که در عرف جامعه قابل قبول و ارزشمند باشد (اسلابی^۱، ۲۰۰۳). میرامی در نتایج پژوهش خود نشان می‌دهد که آموزش مهارت‌های اجتماعی به بهبود نگرش، جرأت مندی، مدیریت استرس و خودکارآمدی دانش‌آموزان منجر شده و این تغییر در طول زمان خود پایدار مانده است. در نتیجه آموزش مهارت‌های اجتماعی موجب ارتقای کفایت اجتماعی شده است (میرامی، ۱۳۸۵). از طرف دیگر باید توجه کرد که براساس آداب، رسوم و فرهنگ یک جامعه، ممکن است دوره نوجوانی بسیار کوتاه باشد، در حالی که در جامعه دیگر ممکن است بسیار طولانی باشد و حتی به ۷-۸ سال نیز برسد. در ایران و بیشتر کشورهای اروپایی و امریکایی معمولاً نوجوانی از ۱۲-۱۳ سالگی آغاز می‌شود و در ۱۹-۱۸ سالگی به پایان می‌رسد (پارسا، ۱۳۷۶). در تحقیق پیش روی بر الگوی حل مسأله با آموزش آن توسط مددکار اجتماعی تمرکز شده است. او یک تسهیل گری طرفی است که در طی آموزش‌ها به سازمان دادن مجدد روابط، بالا بردن ارتباط و مهارت‌های حل مسأله، افزایش همکاری یا حداقل کاهش تضاد در دانش‌آموزان می‌پردازد، تضاد را مدیریت، اطلاعات را سازماندهی و ارتباط را تسهیل می‌کند. واقعیت این است که بیشتر موقعیت‌های تعارض آمیزی که مددکاران اجتماعی در آن مداخله می‌کنند، ناشی از نامتعادل بودن یا عدم توازن قدرت، دانش یا

کارکرد میان بخشهای در حال نزاع است (کراک، ۱۹۹۷).

روش‌شناسی

این تحقیق از نوع آزمایشی و جامعه مورد بررسی شامل دانش‌آموزان دختر مشغول به تحصیل در مقطع سوم راهنمایی شهرستان جویبار در سال ۱۳۸۷ است، حجم نمونه مورد بررسی ۹۰ نفر بودند و برای به دست آوردن جمعیت مورد بررسی، از بین هفت مدرسه راهنمایی دخترانه شهری شهرستان جویبار یک مدرسه به صورت تصادفی انتخاب و تمامی دانش‌آموزان مقطع سوم راهنمایی این مدرسه ۹۰ نفر به عنوان نمونه آماری در نظر گرفته شد و با روش نمونه‌گیری تصادفی به دو گروه آزمایش و کنترل تقسیم شدند. ابزار مورد استفاده پرسشنامه کفایت اجتماعی فلنر (۱۹۹۰) بود که برای هر دو گروه آزمایش و کنترل مورد استفاده قرار گرفت. این پرسشنامه را آقای دکتر کرمی و خانم شیما پرندین در ایران هنجاریابی کرده است و در نهایت پس از تحلیل عاملی، چهار عامل به عنوان عوامل نهایی پرسشنامه مورد تأیید قرار گرفتند. در این پرسشنامه ۳۴ سؤال به مهارت‌های رفتاری اختصاص دارد، ۷ سؤال آمایه‌های انگیزشی و انتظارات، ۳ سؤال مهارت‌های شناختی و ۳ سؤال نیز کفایت هیجانی را می‌سنجد. وی برای برآورد ضریب پایایی مقیاس از دو روش آلفای کرونباخ و ضریب همبستگی بین دو بار اجرا (باز آزمایی) استفاده کرده و روش آلفای کرونباخ را نیز برای بررسی همسانی درونی مقیاس و خرده مقیاس به کار گرفته است. ضریب آلفای به دست آمده از پرسشنامه محقق ساخته کفایت اجتماعی بعد از حذف سؤالاتی که همبستگی کمی با نمره کل داشتند برابر $0/884$ (آلفا) است که نشان می‌دهد پرسشنامه از ضریب همسانی درونی قابل قبول و مطلوبی برخوردار است، این پرسشنامه همچنین از نظر روایی محتوایی مورد بررسی قرار گرفت و با توجه به پشتوانه نظری مطرح شده توسط فلنر، از دیدگاه متخصصان روان‌شناسی و روان‌سنجی، روایی صوری و منطقی آن تأیید شد (کراک، ۱۹۹۷). براساس محتوای پرسشنامه و مباحث نظری موجود (در منابع مددکاری اجتماعی، روان‌شناسی و علوم تربیتی) بسته آموزشی مهارت حل مسئله تهیه و مورد استفاده قرار گرفت. روش جمع‌آوری داده‌ها و استخراج نتایج به این صورت بود که ابتدا ۹۰ نفر دانش‌آموزی که به طور تصادفی در دو گروه تقسیم شده بودند، در مورد ضرورت بهره‌گیری دانش‌آموزان گروه آزمایش از آموزش‌های ویژه و عدم بهره‌گیری دانش‌آموزان گروه کنترل از آموزش‌های مذکور توجیه شدند و سپس به کلیه دانش‌آموزان پرسشنامه کفایت اجتماعی به عنوان پیش‌آزمون داده شد. به دنبال آن آموزش‌های لازم به گروه آزمایش داده شد. بعد از یک وقفه ده روزه برای بررسی اثر ماندگاری آموزش، از هر دو گروه پس از آزمون گرفته شد و نتایج به دست آمده در دو سطح توصیفی و استنباطی مورد بررسی قرار گرفت. در سطح توصیفی با تهیه جدول نقاط در صدی به تفکیک هر یک از عامل‌ها و وضعیت افراد قبل و بعد از مداخله پرداختیم؛ و پس از محاسبه میانگین و انحراف معیار، تهیه نیم‌رخ هر یک از عامل‌ها و هم‌چنین تهیه جدول شاخص‌های توصیفی، تفاضل نمرات قبل و بعد از آموزش در هر دو گروه مشخص شد. در سطح استنباطی از

روش آزمون زوجی (اختلاف میانگین‌ها) و آزمون دو نمونه‌ای مستقل و تفاضل نمرات عامل‌های کفایت اجتماعی در دو گروه استفاده گردید.

یافته‌ها

در این قسمت ابتدا وضعیت نمرات افراد در عامل‌های شناختی، رفتاری، انگیزشی، هیجانی و کفایت اجتماعی در دو گروه آزمون و کنترل، قبل و بعد از مداخله مقایسه و نیمرخ آنها نیز رسم شد، سپس با استفاده از دو آزمون زوجی و دو نمونه‌ای مستقل، اختلاف میانگین، مقدار احتمال و سایر شاخص‌ها در دو گروه بررسی و نمودار هر یک از آنها مشخص شده اند. در ادامه برای نمونه به چهار جدول و دو نمودار اشاره می‌شود. این جداول و نمودارها برای تمامی شاخص‌ها رسم شده‌اند و نتایج آن به این شرح است.

جدول شماره ۱: آزمون زوجی عامل‌های کفایت اجتماعی در گروه گواه قبل و بعد از مداخله

مقدار احتمال	درجه آزادی	آماره آزمون t	انحراف معیار	اختلاف میانگین	
۰/۶۶۶	۴۱	۰/۴۳۵	۳/۹۰	۰/۲۶	شناختی بعد - شناختی قبل
۰/۱۴۸	۴۱	۱/۴۷۶	۲۶/۹۸	۶/۱۴	رفتاری بعد - رفتاری قبل
۰/۸۱۳	۴۱	۰/۲۳۹	۳/۸۸	۰/۱۴	هیجانی بعد - هیجانی قبل
۰/۰۰۳	۴۱	۳/۱۱۷	۷/۰۸	۳/۴۰	انگیزشی بعد - انگیزشی قبل
۰/۱۳۷	۴۱	۱/۴۵۴	۲۶/۹۵	۵/۹۵	کفایت اجتماعی بعد - کفایت اجتماعی قبل

جدول شماره ۲: آزمون زوجی عامل‌های کفایت اجتماعی در گروه آزمایش قبل و بعد از مداخله

مقدار احتمال	درجه آزادی	آماره آزمون t	انحراف معیار	اختلاف میانگین	
۰/۰۹۶	۴۲	-۱/۷۰۱	۴/۴۸۲	-۱/۱۶۳	شناختی بعد - شناختی قبل
۰/۰۳۱	۴۲	-۲/۲۳۲	۲۵/۱۴۷	-۸/۵۵	رفتاری بعد - رفتاری قبل
۰/۰۰۴	۴۲	-۳/۰۷۱	۴/۸۶۶	-۲/۲۷۹	هیجانی بعد - هیجانی قبل
۰/۰۰۵	۴۲	-۲/۹۵۸	۶/۲۹۰	-۲/۸۳۷	انگیزشی بعد - انگیزشی قبل
۰/۰۰۳	۴۲	-۳/۱۲۱	۳۱/۱۷۵	-۱۴/۸۳۷	کفایت اجتماعی بعد - کفایت اجتماعی قبل

جدول شماره ۳: آزمون دو نمونه‌ای مستقل عامل‌های کفایت اجتماعی در گروه گواه و آزمایش

متغیر مورد بررسی	آماره آزمون t	درجه آزادی	مقدار احتمال
شناختی قبل	۰/۸۷	۸۳	۰/۳۹
شناختی بعد	۱/۰۴	۸۳	۰/۳۰
رفتاری قبل	۲/۱۰	۸۳	۰/۰۴
رفتاری بعد	۰/۵۲	۸۳	۰/۶۰
هیجانی قبل	۰/۷۳	۸۳	۰/۴۷
هیجانی بعد	۱/۹۷	۸۳	۰/۰۵
انگیزشی قبل	۲/۲۰	۸۳	۰/۰۳
انگیزشی بعد	۱/۸۶	۸۳	۰/۰۷
کفایت اجتماعی قبل	۰/۷	۸۳	۰/۴۳
کفایت اجتماعی بعد	۲/۰۳	۸۳	۰/۰۴

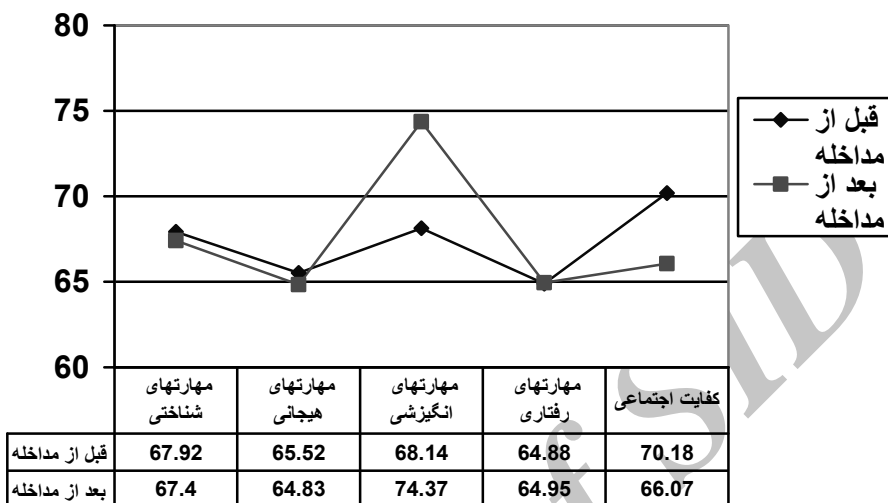
جدول شماره ۴: آزمون دو نمونه‌ای مستقل تفاضل نمرات قبل و بعد عامل‌های کفایت اجتماعی در گروه گواه و آزمایش

متغیر مورد بررسی	آماره آزمون t	درجه آزادی	مقدار احتمال
شناختی	۱/۵۶	۸۳	۰/۱۲
رفتاری	۲/۶۰	۸۳	۰/۰۱
هیجانی	۲/۵۳	۸۳	۰/۰۱
انگیزشی	۴/۳۰	۸۳	۰/۰۰
کفایت اجتماعی	۳/۷۴	۸۳	۰/۰۰

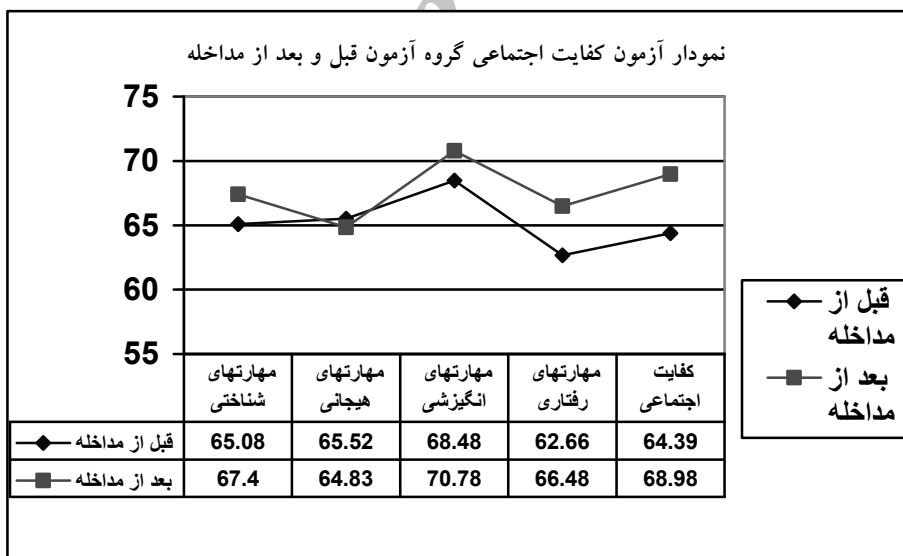
جدول شماره ۵: شاخص‌های توصیفی تفاضل نمرات قبل و بعد عامل‌های کفایت اجتماعی در دو گروه گواه و آزمون

متغیر مورد بررسی	گروه	تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای معیار
شناختی	گواه	۴۲	۰/۲۶	۳/۹۰	۰/۶۰
	آزمون	۴۳	-۱/۱۶	۴/۴۸	۰/۶۸
رفتاری	گواه	۴۲	۶/۱۴	۲۶/۹۸	۴/۱۶
	آزمون	۴۳	-۸/۵۶	۲۵/۱۵	۳/۸۳
هیجانی	گواه	۴۲	۰/۱۴	۳/۸۸	۰/۶۰
	آزمون	۴۳	-۲/۲۸	۴/۸۷	۰/۷۴
انگیزشی	گواه	۴۲	۳/۴۰	۷/۰۸	۱/۰۹
	آزمون	۴۳	-۲/۸۴	۶/۲۹	۰/۹۶
کفایت اجتماعی	گواه	۴۲	۹/۹۵	۲۹/۹۵	۴/۶۲
	آزمون	۴۳	-۱۴/۸۴	۳۱/۱۷	۴/۷۵

نمودار آزمون کفایت اجتماعی گروه کنترل قبل و بعد از مداخله



نمودار آزمون کفایت اجتماعی گروه آزمون قبل و بعد از مداخله



جداول به اندازه کافی گویا هستند و نیاز به توضیح اضافه نیست، فقط به طور کلی می‌بینیم که در گروه گواه تنها در بعد انگیزشی با مقدار احتمال $0/003$ تفاوت معنی داری بین نمرات قبل و بعد از مداخله وجود دارد، اما در گروه آزمایش غیر از بعد شناختی در دیگر ابعاد رفتاری (احتمال $0/031$)، انگیزشی (احتمال $0/005$)، هیجانی (احتمال $0/004$) و به طور کلی کفایت اجتماعی با احتمال

۰/۰۰۳ بین نمرات قبل و بعد از مداخله تفاوت معنادار وجود دارد. زمانی که دو گروه را با استفاده از آزمون دو نمونه‌ای مستقل با هم مقایسه می‌کنیم، می‌بینیم که در ابعاد رفتاری قبل، انگیزشی بعد و کفایت اجتماعی بعد از مداخله بین دو گروه گواه و آزمایش تفاوت معناداری مشاهده می‌شود.

بحث و نتیجه گیری

تفاوت میانگین‌ها نشان می‌دهد که با مقدار احتمال ۰/۰۳۱ آموزش مهارت حل مسئله در افزایش مهارت رفتاری نوجوانان مؤثر است، یعنی میزان جرأت مندی، مذاکره و گفتگو، اکتساب حمایت و اطلاعات، مهارت‌های محاوره‌ای و رفتار کمک رسانی تغییر یافته است. شمس‌ی خانی (۱۳۸۵) این موضوع را روی اقدام‌کنندگان به خودکشی بررسی کرد و به نتایج مشابهی دست یافت با این تفاوت که وی به آموزش انفرادی افراد پرداخته است، در حالی که آموزش ما به صورت جمعی بود. بیرامی (۱۳۸۵) نیز در پژوهشی که با استفاده از مدل چهار بعدی فلنر انجام داده به نتایج مشابهی رسید و با استفاده از آزمون پیگیری به این نتیجه رسید که تغییر به دست آمده در طول زمان ثابت مانده است. در بعد آموزش مهارت حل مسئله در افزایش مهارت شناختی، میانگین‌ها در قبل و بعد از مداخله تغییر چندانی نداشته است. طی بررسی که پیشینه تحقیقاتی به این نتیجه رسیدیم که تأثیر آموزش مهارت حل مسئله بر افزایش مهارت شناختی نوجوانان مستلزم تنظیم برنامه مدون آموزشی و برگزاری جلسات متعدد است و مهم‌تر از آن تغییر بعد شناختی یعنی خزانه اطلاعاتی فرد، مهارت‌های پردازشی، اکتساب اطلاعات، تصمیم‌گیری، طرح‌واره‌های باورها و سبک اسنادی مستلزم شرکت فرد در یک فرایند آموزشی است. تأثیر آموزش حل مسئله در افزایش کفایت هیجانی سومین بعدی است که بررسی شده است، این فرضیه با احتمال ۰/۰۰۴ تأیید شد و نشان دهنده بهبود این شاخص در گروه آزمایش بعد از مداخله است. منظور از بعد هیجانی نظم‌بخشی عاطفه، مهارت‌های ارتباط عاطفی و برقراری پیوند سازنده و مثبت است که امروزه آن را بسیار مهم تلقی کرده و باهوش هیجانی پیوندش می‌دهند و اهمیت آموزش آن در دانشگاه‌ها، مدارس و محیط‌های کار شناخته شده است. در تحقیق باباشهبایی (۱۳۸۴) نتایج حاکی از تأثیر مداخله آموزش مهارت حل مسئله بر کاهش اضطراب اجتماعی نوجوانان بوده است. فرضیه چهارم عبارت از این بود که: آموزش مهارت حل مسئله در افزایش کفایت اجتماعی نوجوانان مؤثر بوده است. بعد انگیزشی تنها بعدی است که در دو گروه طبق آزمون زوجی تفاوت نمرات معنادار گردیده است، این بعد همان احساس کارآمدی، کنترل و ساختار ارزشی فرد است که در صورت ارتقای آن، نوجوانان احساس مثبت تعلق داشتن، ارزشمندی و فرصت‌هایی برای مؤثر بودن در اجتماع را به دست می‌آورند. فرضیه پنجم عبارت از این بود که: آموزش مهارت حل مسئله در افزایش کفایت اجتماعی نوجوانان مؤثر است. در این قسمت تفاوت معنادار میانگین‌ها در نمرات قبل و بعد از مداخله در گروه آزمایشی قابل توجه بود. در تحقیقی که در

پورتوریکو بر روی جوانان صورت گرفت محققان بر این نکته تأکید کردند که تصور کودکان از این جمله که "وقتی بزرگ شدید چه کاره می‌شوید" بینش ریشه داری است که آنان با دستان کوچک خود محکم به آن می‌چسبند (مالکوف، ۱۳۸۶). نکته مهم دیگر این است که مهارت‌های اجتماعی متفاوت کودکان در هنگام ورود به مدرسه در برقراری ارتباط مناسب با معلمان و کارکنان مدرسه و سایر دانش‌آموزان و موفقیت‌های تحصیلی آنها تأثیر به‌سزایی دارد (والکر و همکاران^۱، ۱۹۹۶). تحقیقات نشان می‌دهد که تقریباً ۸۰ درصد جمعیت دانش‌آموزان مدرسه به آموزش در زمینه انتظارات رفتاری در سطح مدرسه پاسخ می‌دهند، و تقریباً ۱۵ درصد دانش‌آموزان به آموزش بیشتر در خصوص موقعیتهای خاصی که با آن مواجه می‌شوند نیاز دارند (رحیمی، ۱۳۸۵). البته در تفسیر نتایج باید به مداخله‌گرهایی مانند: نظام تحصیلی دانش‌آموزان، عوامل فرهنگی (نظم و ترتیبهای فرهنگی و بوم‌شناختی)، ناهمسانی عملکرد تحصیلی، طبقه اجتماعی اقتصادی، شهری یا روستایی بودن و مانند آنها توجه کرد. با توجه به نتایج به دست آمده پیشنهاد می‌شود که حداقل در آغاز مقطع آموزشی (ابتدایی، راهنمایی، متوسطه و حتی دانشگاه‌ها) کفایت اجتماعی ورودیها ارزیابی و در صورت پایین بودن نمرات، دوره‌های آموزشی ویژه‌ای برای ارتقای کفایت اجتماعی آنها پیش‌بینی شود.

منابع فارسی

- آقابخشی، ح. (۱۳۷۹). اعتیاد و آسیب شناسی خانواده، تهران: انتشارات دانش آفرین.
- پرندین، ش. (۱۳۸۵). ساخت پرسشنامه کفایت اجتماعی و هنجاریابی آن در نوجوانان شهر تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد.
- شهرکی پور، ح. و بنی سی، پ. ن. (۱۳۸۲). ظهور پدیده‌های جدید در هزاره سوم. تهران: فرانشاختی اندیشه.
- رحیمی، ع. (۱۳۸۵). تعریف و تاریخچه آموزش و پرورش دوره راهنمایی تحصیلی، معاونت آموزش و پرورش عمومی سازمان آموزش و پرورش استان قم.
- پزشکی، ش. (۱۳۸۲). بررسی میزان اثربخشی راهبردهای مداخله‌ای شناختی و رفتاری بر اساس مدل چهار بعدی کفایت اجتماعی فلنر در رفتار سازشی ناتوانان ذهنی خفیف ۱۸- ۱۴ ساله منطقه غرب تهران، رساله دکتری روانشناسی عمومی.
- شمسی خانی، س. (۱۳۸۵). بررسی تأثیر آموزش حل مسئله بر مهارت‌های مقابله‌ای افراد اقدام کننده به خودکشی و خانواده آنها در بیمارستان ولیعصر اراک، پایان نامه کارشناسی ارشد پرستاری.
- بیرامی، م. (۱۳۸۵). تأثیر آموزش مهارت‌های اجتماعی بر کفایت اجتماعی (مدل فلنر) و پیش بینی تغییرات پیشرفت تحصیلی بر اساس مؤلفه‌های کفایت اجتماعی، پایان نامه دکتری، دانشگاه تربیت معلم تهران، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی.
- پارسا، م. (۱۳۷۶). روانشناسی کودک و نوجوان، تهران: انتشارات بعثت.
- باباشهبابی، ر. (۱۳۸۴). بررسی تأثیر مهارت حل مسئله بر اضطراب اجتماعی نوجوانان فاقد سرپرست مقیم مراکز شبانه روزی تحت پوشش سازمان بهزیستی استان کردستان، پایان نامه کارشناسی ارشد پرستاری.
- مالکوف، آ. (۱۳۸۶). کار گروهی با نوجوانان (اصول و کاربرد آن)، ترجمه، محمد حسین بازرگانی، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.

منابع انگلیسی

- Fuller, A. (2005). A Blueprint for the Development of Social Competencies in Schools.

- Kruk, E. (1997). Medication and conflict resolution in social work and the human services: issues, debates, and trends. in kruk, E. (Ed), Medication and conflict resolution in social work and the human services, Chicago: Nelson-hall. pp. 1-17.
- Flener, R. D. & Lease, A. M. (1990). Social competence and the language of adequacy matter for psychology.
- Horner, R. H. & Sugai, G. (2002). Overview of positive behavior support. Paper presented at the 2002 covention of the council for exceptional children, New York, (2002), ERTC Identifier, ED 468580, publication.
- Suarez, M, (2002). Promoting social competence in deaf student, Journal of deaf student and deaf education. S: 4,2000, Oxford university press, pp. 323-333.
- Olwevs, D. (1993). Bullies on the playground: The role of victimization. In hart CH. (Ed), childrenon playground (pp. 85-128). Albany: State University of New York press psychology, 85-128.
- Slaby, T. & Gaura, T. (2003). Self efficacy and personal goal setting, *American education research Journal*, N, 29, pp. 663-669.
- Walker, H. M., Horner, R. H., Sugai, G., Bullis, M., Sprague, J. R., Bricker, D., & Kaufman, M. J. (1996). Integrated approaches to preventing antisocial behavior patterns among school age children and youth, *Journal of emotional and behavioral disorders*. Vol 4- No 4, pp.194-209.